

The Manifestation of Supernatural Beliefs in the Handwoven Works of Baloch Nomads

Sahel Erfanmanesh^{*}, Abolghasem Nemat Sharbabaki^{**}

Hasan Azizi^{***}

Abstract

The objects like 'talismans and amulets' (charms) have always been used by humans from the past to the present to remove misfortunes and distress conditions. The Baloch are among those ethnic groups of Iran that still use these talismans. They used symbolic objects and patterns in their daily work to protect themselves against calamities and stay away from misfortunes in life. Considering that handwoven works are among their most important applied and everyday artworks, and given they use many figures of these charms in these works, to know and think about that people, it is necessary to research on these handwoven, this research aims to answer the inspiration of supernatural beliefs in these handwoven works. Therefore, according to the purpose of the research, which is to review the manifestation and representation of supernatural beliefs in the material culture of Baloch nomads by focusing on handwoven artworks, and by using a descriptive-analytical method, library sources, and field observations to collect data, it has been found that the beliefs of this nations have been manifested in their handwoven in forms of plants, geometric, animals and human motifs in daily applied objects. It has also been observed that the frequency of motifs inspired by applied objects is more than other elements. Moreover, the most frequent object was related to the concept of the evil eye (Nazar). It seems that from the past until the present, removing the evil forces, which are mostly pointed to other eyes is of great importance among these people, compared to other misfortunes.

Keywords: Supernatural Beliefs, Handwoven Works, Baloch Nomads, Evil Eye, Patterns/Motifs.

^{*} Assistant Professor of Handicrafts Department, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran
(Corresponding Author), erfannr_61@arts.usb.ac.ir

^{**} Assistant Professor of Carpet Department, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran,
Shahrbabaki@arts.usb.ac.ir

^{***} Lecture of Carpet Department, Hazrat-e Ma'soumeh University, Qom, Iran, Azizihasan102@gmail.com

Date received: 2023/01/01, Date of acceptance: 2023/05/04



بازنمایی باورهای ماوراءالطبیعی در دست‌بافته‌های عشایر بلوچ

ساحل عرفان‌منش*

ابوالقاسم نعمت‌شهربابکی**، حسن عزیزی***

چکیده

طلسم و تعویذ از جمله اشیایی است که بشر از گذشته تاکنون برای رفع بلا و مصائب از آن‌ها استفاده کرده است. از جمله اقوامی که استفاده از طلسم در بین آن‌ها امروزه نیز رواج دارد عشایر بلوچ هستند. آنان برای دفع بلاها و دوری نیروهای بد از زندگی از اشیا و نقوش نمادین در تولیدات روزمره استفاده می‌کنند. از آن‌جا که دست‌بافته‌ها از مهم‌ترین هنرهای کاربردی و روزمره آنان است و تصویر بسیاری از طلسم و تعویذها در این هنر نیز استفاده می‌شود، برای شناخت و اندیشه آن قوم پژوهش بر روی این دست‌بافته‌ها ضروری است. این پژوهش به دنبال پاسخ به تأثیر باورهای ماوراءالطبیعی بر روی دست‌بافته‌هاست، لذا باتوجه به هدف پژوهش، که بررسی حضور و بروز باورهای ماوراءالطبیعی در فرهنگ مادی عشایر بلوچ با تأکید بر دست‌بافته‌هاست، در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با گردآوری منابع به روش کتابخانه‌ای و میدانی این نتیجه حاصل شد که اعتقادات و باورهای این قوم در دست‌بافته‌های آنان در قالب نقوش گیاهی، هندسی، حیوانی، انسانی، و اشیا کاربردی تجلی یافته است. همچنین، فراوانی نقوشی برگرفته از اشیای کاربردی بیش از دیگر عناصر بود. به علاوه، فراوان‌ترین و گسترده‌ترین مفهوم در میان مفاهیم چشم‌زخم بود. به نظر می‌رسد از گذشته تاکنون دفع نیروهای شر، که مهم‌ترین آن نگاه دیگری است، در میان این قوم نیز نسبت به دیگر بلاها از اهمیت بیش‌تری برخوردار بوده است.

کلیدواژه‌ها: باور ماوراءالطبیعی، دست‌بافته‌ها، عشایر بلوچ، چشم‌زخم، نقش‌مایه.

* استادیار، گروه صنایع دستی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)،
erfanr_61@arts.usb.ac.ir

** استادیار، گروه فرش، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، Shahrabaki@arts.usb.ac.ir

*** مربی گروه فرش، دانشگاه حضرت معصومه قم، قم، ایران، Azizihasan102@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۴



۱. مقدمه

تقسیم جهان به دو قطب و مسئله خیر و شر از گذشته تاکنون از جمله مسائل بنیادی بوده است. بنابر نظر فریزر (۱۳۸۶: ۵۹۷)، بشر همواره در تلاش بود تا از طریق راه‌هایی چون قربانی کردن، دعا و نیایش، و بستن آن‌ها بر بازو شر را از زندگی خویش دور کند و اعتقاد داشت اشیا می‌توانند در تماس با انسان او را دارای قدرت کرده یا ضعفی را به او وارد کنند (Elliad and Adams 1987: 243)، لذا برای محافظت از خود یا دفع شر به چنین اشیایی روی آورد. این مسئله، که به فتیشیزم (fetishism) یا شیء‌باوری شناخته می‌شود، در باور مردم عامه در بسیاری از کشورها از جمله ایران نقشی ملموس داشته است و می‌توان گفت از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین نحوه تفکر در جامعه کهن ایران بوده است که هنوز می‌توان آثار آن را در میان بسیاری از قبایل از جمله عشایر مشاهده کرد (صابری افتخاری ۱۳۹۲: ۸۸). این باور در ایران دربرگیرنده اشیای تعویذ و طلسم است که ارجاعی به اساطیر و مذهب نیز دارد. بنابراین، طلسم، تعویذ، حرز، و غیره، که امروزه براساس دیدگاه‌های علمی خرافه محسوب می‌شوند، زمانی جزئی از اعتقادات و باورهای واقعی یک قوم شناخته می‌شدند و حتی می‌توان آن‌ها را جزو نخستین ظواهر فرهنگی بشر به حساب آورد (تناولی ۱۳۸۷: ۱۱). مردم کهن به نیروی درون این اشیا به‌عنوان مبارزه، دفع نیروی شر، و گاهی جذب نیروی خیر اعتقاد داشتند. آن‌ها اشیا و دست‌بافته‌های خویش را همانند دیگر عناصر طبیعی دارای روح می‌دانستند و معتقد بودند این اشیا توانایی آن را دارند که اثر بد یا خوب بر وی بگذارند (بویس ۱۳۷۰: ۸۰-۸۲). این اعتقادات با پیشرفت علم و تکنولوژی در جوامع امروزه نسبت به گذشته کم‌رنگ‌تر شده است. باوجوداین، همان‌طور که بیان شد، امروزه نیز در بسیاری از جوامع و اقوام بومی ریشه‌هایی از این باورها و اعتقادات وجود دارد. از جمله این اقوام عشایر هستند که تأکید این پژوهش بر عشایر بلوچ است. آن‌ها از جمله اقوامی هستند که به‌دلیل شکل زندگی و عدم یک‌جانشینی در ابتدا باورهای خویش را حفظ کرده‌اند. برخی از اقوام بلوچ برای حیواناتی چون مار، که حیوانی گزنده است، یا ماهی و دیگر جانوران قدرتی نمادین قائل‌اند و معتقدند حضور آن‌ها در زندگی به رونق و باروری کمک می‌کند. لذا، نقش آن را نیز دارای چنین قدرتی می‌دانند و از آن در حکم طلسم یا تعویذ بر روی بسیاری از هنرها استفاده می‌کنند. مردم عشایر بلوچ برای اشکال هندسی نیز قدرت ویژه‌ای قائل هستند، لذا اعتقاد دارند برای آن‌که تعویذ قدرت پشتیبانی یا حمایت‌کنندگی داشته باشد باید شکل به‌خصوصی داشته تا بتواند بهترین تأثیر را دارا باشد. برخی درختان چون اسپند، که از گذشته تاکنون دودکردن آن قدرت دفع شر را داشته، در میان این اقوام نیز اهمیت بسیاری دارد، به‌طوری‌که از دانه‌های آن نیز اشیایی

طلسم‌گونه برای دفع شر می‌سازند. هم‌چنین، برخی درختان و گیاهان چون اسپند و نخل در زندگی روزمره و مراسم ویژه نقشی طلسم‌گون برای آن‌ها پیدا می‌کند. باتوجه‌به آن‌که اشیاء، اشکال، گیاه، و حیوان برای این مردمان قدرتی نمادین دارد که می‌تواند آنان را از بسیاری بلاها و مصیبت‌ها در امان بدارد از تصویر آن‌ها نیز در بسیاری از هنرها نیز استفاده می‌کردند، چراکه تصویر آن را نیز دارای قدرت می‌دانستند. از آن‌جاکه این منطقه یکی از قدیمی‌ترین کانون‌ها و مناطق بافندگی است، باتوجه‌به اهمیت و قدمت دست‌بافته‌ها و استفاده از نقوش طلسم و تعویذ بر روی آن‌ها آن‌چه در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود تبیین نقش باورهای ماوراءالطبیعی بر دست‌بافته‌های عشایر بلوچ است، زیرا بررسی هنر آن‌ها به شناخت بهتر فرهنگ و تمدن آن منطقه کمک می‌کند. با بررسی دست‌بافته‌ها، که ازجمله هنرهای بومی آن منطقه است، علاوه‌بر آگاهی از هنر یک قوم، می‌توان به باورها و اندیشه‌های رایج در آن‌جا نیز پی برد. لذا، از آن‌جاکه در کم‌تر پژوهشی به معنا و مضمون باورهای ماوراءالطبیعی در دست‌بافته‌های بلوچ پرداخته شده است، این پژوهش به‌نظر ضروری می‌رسد. این پژوهش برای دریافت پاسخی مناسب به بررسی نمادها و نقوش طلسم در دست‌بافته‌ها پرداخته است که از مجموع این مباحث بتوان به باورهای ماوراءالطبیعی و تفکرات رایج در میان این قوم دست یافت.

۱.۱ روش پژوهش

این پژوهش با تحلیل تاریخی جایگاه طلسم و نقوش منسوب به آن در باور و زندگی روزانه مردمان عشایر استان سیستان و بلوچستان، مناطق سیستان، و سرحد سعی بر آن دارد تا به رابطه این نقوش در دست‌بافته‌ها و معنای نمادین آن‌ها دست یابد. لذا، جامعه آماری پژوهش حاضر دست‌بافته‌های قوم عشایر بلوچ است. انتخاب نمونه‌ها غیراحتمالی و براساس هدف تحقیق است. دست‌بافته‌هایی انتخاب شدند که نقوش آن بیان‌گر باورهای ماوراءالطبیعی و نقش طلسم، تعویذ، و باورهای مردمان عشایر سیستان و بلوچستان بود. باتوجه‌به نقش‌مایه‌های رایج در دست‌بافته‌ها، نقوش به پنج دسته تقسیم شدند و سعی بر آن شد از هر گروه یک نمونه معرفی شود و تحلیل براساس فراوانی معانی و نقوش رایج صورت پذیرد.

۲.۱ پیشینه پژوهش

درباره باورهای ماوراءالطبیعی در زندگی انسان‌ها و تأثیر طلسم و تعویذ در زندگی بشر تحقیقات زیادی انجام شده است. اما از آن‌جاکه هدف مقاله نقش باورهای ماوراءالطبیعی و استفاده از طلسم و تعویذ و غیره در زندگی روزانه با تأکید بر دست‌بافته‌هاست، به مقالاتی

اشاره می‌گردد که به نقش طلسم و تعویذ در دست‌بافته‌ها پرداخته‌اند: نعمت شهربابکی و میرنژاد (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی نقوش آویزبافته‌های طلسمی و تعویذی در سیستان و بلوچستان» به معرفی آویزهای رایج در منطقه و نقش طلسمی آویزها پرداخته‌اند و آویزهایی چون پُلک (Pollok)، یک تلی (Yektali)، و گلوبند چهارپایان را معرفی کرده و این آویزها را پاسخی به هراس و ترس‌های مردم آن منطقه دانسته‌اند. یعقوب‌زاده و خزائی (۱۳۹۸) در مقاله «نقش‌مایه‌های طلسم، تعویذ و حرز (مطالعه موردی: دست‌بافته‌های عشایر لر بختیاری)» معانی نمادین را در تعویذهای رایج در منطقه استخراج کرده و طبقه‌بندی کاملی از آن‌ها ارائه داده‌اند. در این مقاله، به این نتیجه رسیده‌اند که نقوش موجود در دست‌بافته‌ها درعین سادگی بیان‌گر معانی عمیق و نمادین هستند. همچنین، باورهای این قوم در نقوش دست‌بافته‌ها متجلی شده است. نعمت شهربابکی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه «بررسی طلسم و تعویذ و تأثیر آن در نقش‌مایه‌های فرش‌های سیستان و بلوچستان» به بررسی دست‌بافته‌های این منطقه و نقش طلسمی آویزها پرداخته است. باتوجه‌به تحقیقات مشخص می‌گردد که میان بسیاری از اقوام عشایر و نقوش طلسم و تعویذ رابطه‌ای وجود دارد؛ گویا در میان اقوام عشایر این معنا جایگاه ویژه‌ای دارد. درباره‌ی قوم عشایر سیستان و بلوچستان نیز رابطه‌ی میان برخی دست‌بافته‌ها از جمله آویزها، نقش پولک، صدف، و کاربرد طلسمی آن آویزها در تحقیقات بررسی شده است. یعقوب‌زاده (۱۳۹۲) در مقاله «نقش‌مایه‌ی طلسم محافظ بر فرش ترکمن» به طبقه‌بندی نقش‌مایه‌های طلسم در فرش ترکمن پرداخته و به این نتیجه رسیده است که قدرت اندیشه‌های آیینی و تأثیر آن در نقوشی که به‌دلیل حالت طلسم‌گون‌بودن آن‌ها فرمی انتزاعی و نمادین پیدا کرده‌اند به‌مراتب بیش از دیگر نقوش است. جلیلیان و احمدپناه (۱۳۹۱) در مقاله «تأثیر باورهای دینی و اسطوره‌ای بر فرش‌های روستایی‌باف همدان» نقوش حیوانی فرش همدان را در سه گروه چهارپایان، پرندگان، و آبیان طبقه‌بندی کرده‌اند و معنای نهفته در نقوش را برگرفته از عقاید دینی و اسطوره‌ای می‌دانند که در زندگی مردم نهفته بوده است. لذا، نقوش بیش‌تر بیان‌گر برکت و باروری بوده است، اما در کم‌تر تحقیقی به نقش دست‌بافته‌هایی چون قالی و گلیم پرداخته شده است. نعمت شهربابکی نیز بیش‌تر از آن‌که تحلیل جامع از نقش‌مایه‌ها ارائه کند نقوش را معرفی و توصیف کرده است. لذا، در تحقیقات انجام‌گرفته به تبیین نقش طلسم و باورهای ماوراءالطبیعی در دست‌بافته‌های بلوچ پرداخته نشده است. بنابراین، خلأ پژوهش در این زمینه احساس می‌شود و باتوجه‌به آن‌که پژوهش حاضر به نقش باورهای ماوراءالطبیعی در زندگی روزانه‌ی عشایر بلوچ و ارتباط آن با نقوش رایج در دست‌بافته‌ها می‌پردازد این پژوهش برای شناخت باورها و فرهنگ یک قوم به‌نظر ضروری می‌رسد.

۲. پیشینه طلسم و تعویذ در تولیدات بومی سیستان و بلوچستان

ازجمله باورهای ماورائی، که سابقه دیرینه‌ای دارد، باور به قدرت داشتن اشیاست. از این اشیا به‌عنوان طلسم، تعویذ، حرز، و ... یاد می‌شود. هم‌چنین، برخی از محققان معتقدند در جوامعی که مردم رابطه نزدیکی با یک‌دیگر دارند و در جایی که می‌توانند احساساتی چون خشم، حسادت، و ترس را به دیگری نشان دهند طلسم رشد می‌کند. اصولاً طلسم را وی در ارتباط با وحشت از سوءنیت دیگران می‌داند (خوارزمی و توکلی ۱۳۹۶: ۱۴۲-۱۴۳). به این دلیل است که مهره‌های نظر قربانی جایگاه ویژه‌ای در ایران داشته است، زیرا ازجمله عوامل کاربرد طلسم و تعویذ درباره باور به چشم‌زخم است. از کهن‌ترین باور و اعتقادات بشر و شاید رایج‌ترین و گسترده‌ترین اعتقاد فراعلمی و ماوراءالطبیعی باور به چشم‌زخم است که امروزه نیز آثار آن در ایران باقی مانده است. رضی (۱۳۸۱: ۹۸۵) اذعان دارد: تنگ‌نظری، شورچشمی، و بدنظری که اکنون به‌عنوان صفت برای اشخاص به‌کار می‌رود در گذشته به‌عنوان بیماری اهریمنی شناخته می‌شد که افراد دارای چنین ویژگی از جامعه طرد و موردنفرت واقع می‌شدند.

ازجمله مناطقی که این باورهای ماوراءالطبیعی و جادویی در میان آن‌ها دیده می‌شود سیستان و بلوچستان است. سیستان و بلوچستان باوجود مناطق باستانی چون شهر سوخته، دشت بمپور، و تپه چاه‌حسینی قدمتی چندهزارساله دارد (سیدسجادی ۱۳۸۸: ۲۰). علاوه‌بر قدمت باستانی، موقعیت شاخص سیستان در تاریخ مذاهب باستانی ایران به‌ویژه به زرتشتی‌گری به‌دلیل وجود رودخانه هیرمند و دریاچه هامون ازجمله علل شاخص و برجسته‌بودن این منطقه است. «این ناحیه محل وقوع حوادث و اتفاقات مهمی هم‌چون شکل‌گیری نخستین اسطوره‌های ایرانی و یا ظهور نخستین پهلوانان ایرانی است که سهم بزرگی در نشوونمای فرهنگ کهن ایرانی و اندیشه ایران‌شهری داشته‌اند» (همان: ۲۸۰). تحقیقات اخیر حضور پیکرک‌های سفالین در منطقه شهر سوخته را تحت‌تأثراتی ازجمله تشریفات آیینی مانند جشن‌ها، تشریفات مذهبی، و طلسم و جادو می‌داند (Stinson 2006: 2) (تصاویر ۱ و ۲). ساکنان شهر سوخته باور و اعتقادی داشتند که برطبق آن نیروهای الهی کنترل و مهار منابع طبیعی را در خدمت داشته‌اند. این نیروها در باورهای ماوراءالطبیعی مردمان شهر سوخته جایگاهی برجسته داشته‌اند (شیرازی ۱۳۸۸: ۲۹۱-۲۹۵). هم‌چنین، نقوش سفال‌های شهر سوخته را نیز برای یاری‌گرفتن از طبیعت و محافظت از نیروهای اهریمنی می‌دانند که می‌تواند درحکم طلسم نیز باشد (خضایی و مراثی ۱۳۹۰: ۸۸).



تصویر ۱. سفال مکشوفه از شهر سوخته سیستان
(نگارندگان)



تصویر ۲. انواع پیکرک‌های مکشوفه از شهر سوخته
(سیدسجادی ۱۳۸۸: ۲۸۷)

همان‌طور که بیان شد، باورهای جادویی یا باور به قدرت‌های ماوراءالطبیعی از میان مردم سیستان و بلوچستان از دیرباز در اشیا و ابزارهای مورد استفاده در زندگی روزانه بازتاب داشته است. باتوجه به آن که یکی از کهن‌ترین مراکز بافندگی در ایران سیستان و بلوچستان است (سیدسجادی ۱۳۸۶: ۵۲) و به‌ویژه شمار بزرگی از تجسم‌های بصری این باور را در نقوشی می‌توان باز یافت که در تولید دست‌بافته‌های عشایر بلوچ جلوه یافته‌اند، بنابراین، برای شناخت اندیشه این مردمان و نقش طلسم و تعویذ در زندگی آنان بررسی این دست‌بافته‌ها مؤثر است.

۳. طبقه‌بندی طرح و نقش در دست‌بافته‌های عشایر بلوچ

همان اندازه که از گذشته تاکنون باورهای ماوراءالطبیعه و استفاده از طلسم و تعویذ در زندگی مردم سیستان و بلوچستان کاربرد داشته‌اند، تصاویر نیز به همان اندازه در این منطقه دارای قدرت صیانت و حفاظت بوده‌اند. بنابراین، آنان برای حفاظت خود و برای بیان بیم و امیدهای خویش از تصاویری نمادین بر دست‌بافته و دیگر اشیای کاربردی در زندگی روزانه استفاده کردند. برای آن‌که بتوان به چگونگی استفاده از نقش‌مایه‌های طلسم و تعویذ بر روی دست‌بافته‌ها پرداخت به شناخت نقوش و استخراج معانی آن‌ها نیاز است. باتوجه به گستردگی نقوش و برای رسیدن به نتیجه مطلوب رایج‌ترین و پرکاربردترین نقوش بررسی و تحلیل شده‌اند. برای رسیدن به این مهم نقوش به شش دسته هندسی، گیاهی، حیوانی، انسانی، و اشیای روزمره و کاربردی تقسیم شدند (جدول ۱).

جدول ۱. طبقه‌بندی طرح و نقش در دست‌بافته‌های عشایر

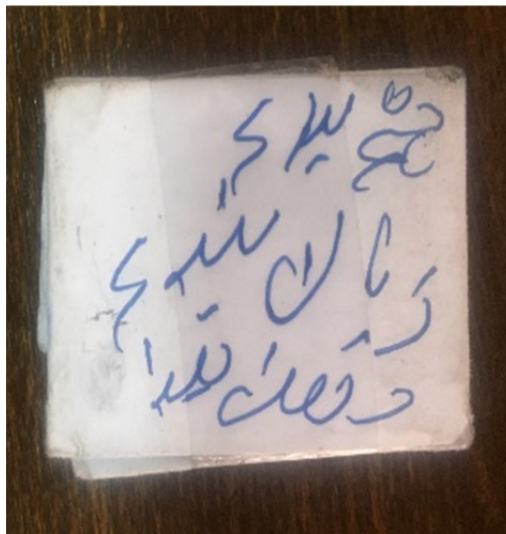
شکل نقوش	انواع نقش‌مایه	
مثلث	نقوش هندسی	۱
لوزی		
اسپند	نقوش گیاهی	۲
ماهی	نقوش حیوانی	۳
مار		
چشم	نقوش انسانی	۴
دست		
دودنی	نقش‌مایه‌های برگرفته از اشیای کاربردی و روزمره	۵
شانه		
گوشواره		
بازوبند		

(نگارندگان)

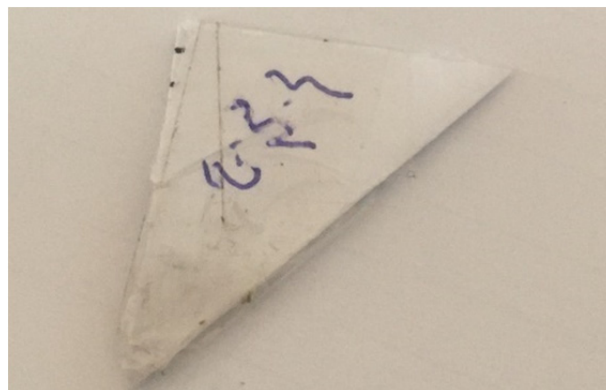
۱.۳ انواع نقش‌مایه‌های هندسی

نقش‌مایه‌های هندسی از گذشته تاکنون در بیش‌تر هنرها کاربرد دارند. باوجوداین، برخی از این نقوش و تکرار آن‌ها بیان‌گر معانی مختلفی است. در بیش‌تر دست‌بافته‌های بلوچ اشکال مثلث و

لوزی کاربرد بیش‌تری نسبت به دیگر اشکال دارد. رواج این اشکال می‌تواند برگرفته از تعویذ یا به زبان بلوچ‌ها تائیت‌های (Taïet) عشایر بلوچ باشد، زیرا در میان این مردمان نقوش مثلث و مربع کاربرد زیادی دارد (تصاویر ۴ و ۵). تائیت کاغذی مملو از نوشته‌های رمزگونه به حروف ابجد است که به اشکال مربع، مثلث، یا لوزی پیچیده می‌شود و شکل مثلثی تائیت در میان این قوم رواج بیش‌تری داشته است (لعل‌بی‌بی ۱۴۰۱).



تصویر ۴. تائیت مربعی شکل
(نگارندگان)



تصویر ۵. تائیت مثلثی شکل
(نگارندگان)

۱.۱.۳ مثلث

ازجمله رایج‌ترین نقوش استفاده‌شده در دست‌بافته‌های منطقه سیستان و بلوچستان مثلث است (جدول ۲). این نقش مایه علاوه بر آن که بر روی دست‌بافته‌ها به‌وفور استفاده می‌گردد بر روی سفال‌های باستانی این منطقه نیز بسیار دیده شده است (سیدسجادی ۱۳۸۶: ۵۴۶). مثلث می‌تواند معانی گوناگونی چون بارش باران، مسخرساختن نیروهای طبیعی، و رونق مجدد کشاورزی داشته باشد. حصوری اذعان دارد هر زمان کشاورزی رونق می‌یافت قالی‌بافی ضعیف می‌شد (حصوری ۱۳۷۱: ۸) یا به‌نوعی در سال‌هایی که زمین‌ها خشک می‌شدند توجه به هنرهای صناعی و قالی‌بافی افزایش می‌یافت. بنابراین، هنرمندان این صنعت (بافندگی) به‌تبعیت از جامعه به‌دنبال راهی برای خروج از این شرایط بودند و با استفاده از نقوشی که بیان‌گر باروری و حاصل‌خیزی بود سعی بر خروج از این بحران داشتند. هم‌چنین، نقوش استفاده‌شده بر قالی‌های سیستان را، که متشکل از زنجیرهای مثلث‌شکل است که یکی رو به بالا و یکی رو به پایین قرار گرفته، بیان‌کننده نوعی تعویذ و طلسم برای باروری و حاصل‌خیزی تلقی کرده‌اند (موسوی حاجی و پیری ۱۳۸۸: ۷۷). پرهام (۱۳۷۸: ۴۳) نیز سه‌گوش‌های پیوسته در دست‌بافته‌ها را نشانی از کوه‌سار دیده که به‌مانند منبع و نگه‌دارنده آب‌های زمین است. هم‌چنین، «سه‌گوش‌های پیوسته شطرنجی که از تلفیق دو نماد آب فراهم می‌آید در زمره نمادهای مضاعف است که نیروی سحرنگاره را دوجندان می‌سازد».

باتوجه به آن که در میان این قوم تائیت‌های مثلثی‌شکل برای دفع ارواح پلید و چشم بد است، عقیده دیگر می‌تواند مبتنی بر این باشد که مثلث باتوجه به شکل تیزی که دارد حالت تعرض‌گونه و تهاجمی پیدا می‌کند و به‌نظر می‌رسد باتوجه به تائیت‌ها در باور بلوچ این نقش بیش‌تر بیان‌گر دوری از ارواح خبیثه و گریز از دشمنان است. وسترمارک (۱۳۹۹: ۸۴) نیز اذعان دارد نقش چشم بیش‌تر به‌شکل مثلث ارائه شده است. گاه یک چشم کوچک در بیرون هر رأس مثلث یا به‌شکل‌های دیگر برای چشم‌زخم به‌کار برده می‌شد. البته، این نقش باتوجه به قدمت آن و جایگاه آن در دست‌بافته‌ها می‌تواند بیان‌گر باروری نیز باشد، اما می‌توان به‌دیده تردید به آن نگریست و به جایگاه نقش در دست‌بافته و کاربرد روزمره آن نیز توجه کرد.

جدول ۲. نقش مثلث در حاشیه قالی سیستان

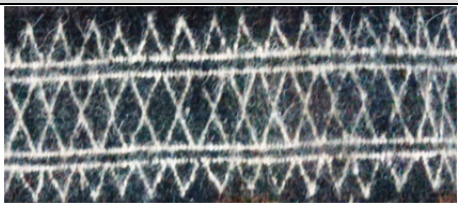
نقش مایه	تصویری از نقش موردنظر در دست‌بافته	معنا و مفهوم نقش
مثلث		باروری و حاصل‌خیزی؛ دفع نیروهای شر
	فرش عشایر سیستان از مجموعه شخصی (نگارندگان)	

(نگارندگان)

۲.۱.۳ لوزی

از جمله نقش‌مایه‌های پرکاربرد دیگر لوزی و مربع است. این نقوش علاوه بر دست‌بافته‌ها در طلسم و تعاویذ نیز استفاده بسیار داشته‌اند. لوزی می‌تواند نماد چشمی باشد که به همه‌جا می‌نگرد یا نماد پیروزی باشد (هال ۱۳۸۳: ۱۶). باور دیگر بر آن است نقش دو لوزی قفل‌شده در یک‌دیگر در طلسم و تعاویذ نقش دورکنندگی ارواح خبیثه و دورنگاه‌داشتن چشم بد را داشته است (شیرانی ۱۳۸۸: ۲۷). البته وسترمارک (۱۳۹۹: ۸۴) دو مثلث متقاطع هم‌راه با پیکره‌ای گرد و کوچک در مرکز آن را نمادی از چشم می‌داند، اما به‌صورت کلی با توجه به شکل تعاویذ رایج در میان قوم بلوچ می‌توان به استفاده این نقوش توسط این قوم برای دوری از ارواح شرور تأکید کرد. با وجود این، می‌توان به این‌که لوزی و نقوش تکرارشونده همیشه حالت تعویذی داشته‌اند تردید داشت (جدول ۳).

جدول ۳. استفاده از نقش لوزی در گلیم بلوچی

نقش مایه	تصویری از نقش موردنظر در دست‌بافته	معنا و مفهوم نقش
لوزی		دورکننده ارواح خبیثه و چشم بد و پیروزی
	فرش منطقه سرحد، مجموعه شخصی (نگارندگان)	

(نگارندگان)

۲.۳ انواع نقش‌مایه‌های گیاهی

شاخه‌ای از نقش‌مایه‌های دست‌بافته‌ها نقوش گیاهی است. براساس میزان به‌کارگیری نقوش این گروه اسپند جایگاه ویژه‌ای در دست‌بافته‌ها دارد. درخت زندگی و نخل نیز در برخی دست‌بافته‌ها مشاهده می‌شود. لذا، باتوجه‌به فراوانی اسپند در دست‌بافته‌ها و جایگاه طلسمی آن در زندگی روزانه به این نقش‌مایه پرداخته می‌شود.

۱.۲.۳ اسپند (اسفند)

از رایج‌ترین نقش‌مایه‌های گیاهی در دست‌بافته‌ها اسپند است و می‌توان آن را ازجمله پرکاربردترین گیاهان در طلسم و تعویذ در میان ایرانیان دانست. نام این گیاه خودرو، که در زمین‌های کویری می‌روید، از واژهٔ سپته (Spenta) در *اوستا* گرفته شده است. معنای آن در زبان پهلوی افزونیک یعنی مقدس و برکت‌دهنده است (Reichelt 1911: 270). هنینگ نیز معتقد است در عهد باستان مردمان ایران اسپند را در زمرهٔ گیاهان مقدس در نظر می‌گرفتند و برای آن نیرویی آسمانی متصور بودند (Henning 1891: 607).

برای دورکردن چشم‌بد و به‌نوعی چشم‌زخم این گیاه را از گذشته تاکنون در آتش می‌ریختند تا دود کند و دود آن را به اطراف می‌پراکندند. کریستی (۱۳۸۴: ۱۹۷) نیز دود را ازجمله مواردی می‌داند که حافظ کودک از ارواح خبیث است. اسپند را با آداب خاص و شیوه‌های مختلف برای درمان دردها، بیماری‌ها، و چشم‌زخم استفاده می‌کردند و از پرکاربردترین آن‌ها خال‌گذاری و اسپندگردانی بوده است. در میان قوم بلوچ نیز امروزه برای دورکردن ارواح خبیث اسفند دود می‌کنند. هم‌چنین، برای آن‌که کودک از آسیب چشم‌بد دیگران، شیاطین، و اجنه در امان بماند بر پیشانی وی زاج (Alum) یا اسپند می‌کشند (شفیعی ۱۴۰۱) که خال‌گذاری نامیده می‌شود، زیرا باور بر این دارند که چشم‌شور همان دانهٔ اسپند است که هنگامی که می‌سوزد، همان بلا بر سر چشم بدنظران و چشم‌تنگان می‌آید. دودکردن اسپند برای هرگونه دفع شر، چشم‌زخم، و بیماری از گذشته تاکنون در بیش‌تر نقاط ایران کاربرد داشته است. لذا، استفاده و رواج نقش این گیاه بر روی فرش می‌تواند به‌دلیل کاربرد و ارزش آن در فرهنگ عامه باشد. بنابراین، به‌دلیل جایگاه این گیاه در بین عوام بافندگان نیز از این نقش برای چشم‌زخم و دفع نیروهای شر استفاده کرده‌اند. نقش گیاه اسپند، که دارای پنج برگ سپید است، در جدول ۴ بر حاشیه و متن قالی‌ها مشاهده می‌گردد.

جدول ۴. نحوه استفاده از نقش مایه اسپند در قالیچه‌های منطقه

نقش اسپند در دست‌بافته	حاشیه قالیچه	متن قالیچه	معنا و مفهوم نقش
 (حصوری ۱۳۷۱: ۱۱۷)			برای دوری از نیروهای شر و چشم‌زخم

(نگارندگان)

۳.۳ انواع نقش مایه‌های حیوانی

سومین شاخه از نقوش نقش مایه‌های حیوانی است. حیوانات در گذشته جایگاه مهمی در باورهای مردمان داشتند و برخی بیان‌گر باروری و حاصل‌خیزی و بعضی بیان‌گر خشکی و مصیبت شناخته می‌شدند. در نقش مایه‌های حیوانی، که کاربرد طلسمی یا تعویذی در میان عشایر بلوچ دارند، فراوانی نقوشی چون مار، ماهی، و عقرب بیش از دیگر نقوش است که در ذیل شرح داده می‌شود.

۱.۳.۳ مار

اسفندیاری (۱۳۸۴: ۴۷) اشاره دارد در روایات اساطیری مار نماد و نشانه باروری بوده است. هم‌چنین آورده‌اند یکی از صورت‌هایی که پریان در افسانه‌ها به خود می‌گیرند صورت مار است. این پریان در حالت مار و افسون ادوات سحر را به قهرمان می‌دهند و بی‌واسطه به وی کمک نکرده و تغییری ایجاد نمی‌کنند (جهازی و آتشی ۱۳۸۱: ۸۰-۸۱). مار از جمله حیواناتی است که گاه در جایگاه طلسم در این منطقه استفاده می‌شود. در صحاری بلوچستان، مارهای سمی فراوانی وجود دارد و باعث ترس و دلهره مردم آن منطقه می‌گردد. به همین جهت است

بازنمایی باورهای ماوراءالطبیعی در دست‌بافته‌های ... (ساحل عرفان‌منش و دیگران) ۲۲۳

که نقش‌هایی مانند مار، پیچک، و کله سیاه مار در این منطقه مشاهده می‌شود (بیهقی ۱۳۶۵: ۴۶۱). توت‌م سیه‌مار را از جمله توت‌م‌های مهم این قوم می‌دانند که بیان‌گر ترس و امید، مرگ و زندگی، و مردانگی و زنانگی است (رئسی ۱۴۰۱: ۲۰۶). اهمیت مار به شکل‌های گوناگون نزد این قوم مشاهده می‌گردد. آن‌ها اعتقاد دارند کسی که صاحب فرزند نمی‌شود اگر مار مرده‌ای را کف دست بگیرد صاحب اولاد می‌شود (ریگی ۱۳۹۹: ۳۴)، لذا نقش‌مایه مار نیز برای آنان همان اهمیت را داشته است. از آن‌جاکه این اقوام برای تصاویر نیز نیروی زیادی قائل بودند برای باروری و زایش از این نقش در بسیاری از اشیای روزمره استفاده می‌کردند (جدول ۵).

جدول ۵. کاربرد نقش مار در قالی

معنا و مفهوم نقش‌مایه	تکرار نقش‌مایه در دست‌بافته	نقش‌مایه بافته‌شده	شکل طلسمی	شماره
لفافه از پشم بد و زایش				۳
	گلیم منطقه سرحد (نگارندگان)	(نگارندگان)	(تناولی ۱۳۸۷: ۶۴)	

۲.۳.۳ ماهی

از جمله نقوش حیوانی پرکاربرد در قالی سیستان و بلوچستان ماهی است. این نقش در سفال‌های باستانی شهر سوخته نیز استفاده شده و از نقوش پرکاربرد در نقش فرش نیز است. در طرح هراتی یا ماهی درهم در فرش، ماهی از جمله نقش‌مایه‌های اصلی است که حصوری اذعان دارد ریشه در آیین مهر دارد. «اساس طرح نقش ماهی و نقش چهره انسانی (مهر) است. در دگرگشتی، این طرح در دوره اسلامی دو ماهی به دو یا چهار برگ و چهره انسانی به گل (معمولاً هشت پرگرد) تبدیل می‌شوند» (حصوری ۱۳۸۱: ۴۳-۴۵). لذا، باتوجه به آیین باستانی زرتشت در ایران و هم‌چنین با ارجاع به آن‌که برخی منجیان دین زرتشت (سوشیانس‌ها) را از دریاچه کیانسه (هامون) دانسته‌اند، حضور نقش ماهی در این منطقه، که ریشه در این آیین

داشته باشد، بعید به نظر نمی‌رسد. تقدس و اهمیت دریاچه کیانسه و کوه اوشیدا باعث می‌شد هر ساله زائران زیادی از سراسر ایران شهر به سیستان روی آورند. از این رو، از طریق راه اصلی خراسان، کرمان، و جلگه سند به سوی سیستان می‌شتافتند (بویس ۱۳۷۷: ۳۹۹). بنابراین، باتوجه به نقش ماهی در *اوستا* و پیشینه این منطقه نقش ماهی در این استان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. این نقش هم‌چنین نماد برکت و باران‌خواهی است. نمونه آشکار استفاده از نقش ماهی در طرح سراسری ماهی درهم، توالی، و تکرار تولیدمثل ماهی را به یاد می‌آورد که نماد باروری و زندگی است (جلیلیان و احمدپناه ۱۳۹۱: ۱۰). فکر (Fokker 1973: 26) تکرار این نقش را بیان‌گر سلامتی، خوش‌بختی، و تعداد زیاد فرزند، توانایی کار، و قانون قبیله می‌داند. با لحاظ آن‌که مردمان منطقه سیستان و بلوچستان دام‌دار و کشاورز بودند و حضور آب برای آنان از اهمیت زیادی برخوردار بود، نقش ماهی می‌تواند به معیشت و زندگی این مردمان نیز اشاره کند (جدول ۶).

جدول ۶. نقش ماهی استفاده‌شده در فرش منطقه

معنا و مفهوم نقش ماهی	تکرار نقش ماهی در متن فرش منطقه	طرح خطی نقش ماهی	نقش ماهی بافته‌شده	شکل طلسمی	نقشه ماهی
برکت، باروری، زایش و باران‌خواهی، و عمر زیاد					ماهی
	فرش عشایر سیستان (نگارندگان)	(نگارندگان)		(تناولی ۱۳۸۷: ۶۴)	

(نگارندگان)

ماهی علاوه بر زایش بر عمر طولانی نیز تأکید داشته و اعتقاد بر آن بوده که استفاده این نقش بر روی هر شیئی به صاحب آن عمر طولانی عطا می‌کرده است (همان) (تصویر ۶).



تصویر ۶. نقش ماهی درهم استفاده‌شده در متن فرش منطقه (نگارندگان)

۴.۳ انواع نقش‌مایه‌های انسانی

ازجمله نقش‌مایه‌های موجود در دست‌بافته‌ها نقوشی است که به اعضای بدن آدمی و گاه به بدن انسان اختصاص یافته است. هم‌چنین، گاه مشاهده می‌گردد که تمامی بدن نیز به‌صورت آدمک مجسم شود، اما از آن‌جاکه ازجمله فراوان‌ترین نقش‌مایه‌های انسانی که در دست‌بافته‌ها به‌وفور استفاده می‌شود نقش دست (پنجه) و چشم است به این دو مورد پرداخته شده است.

۱.۴.۳ پنجه دست یا خمسه

نقش و پیکره‌ای از دست انسان که از میج تا سر پنج انگشت است خمسه نامیده می‌شود. این نقش ازجمله نقوشی است که سابقه دیرینه‌ای دارد. این نقش، از تصاویر دست در غارها گرفته تا استفاده از آن در بین‌النهرین، اصولاً برای حفاظت از چشم بد استفاده می‌شده است (موسی‌پور ۱۳۹۱: ۱۵۵). به‌صورت کلی می‌توان گفت انسان‌ها برای عدد پنج خاصیت جادویی و توان ویژه‌ای قائل بودند. هم‌چنین، در زندگی روزانه، این شکل ضد چشم بد، شر، و افسون به‌حساب می‌آمد (تصویر ۷). عدد پنج و مضارب آن در برخی از جوامع در میان مسلمانان نیز ضد چشم بد محسوب می‌شود (وسترمارک ۱۳۹۹: ۶۹-۷۰). در برخی جوامع، روی بسیاری از اشیاء برای محافظت از آن شیء نقش پنجه را بر گلیم، قالی، سفال، و جز آن می‌کشیدند تا آن‌ها را از آسیب دور سازند. باوجوداین، وسترمارک اذعان دارد این مواردی که در گذشته حالت جادویی و چنین خصوصیتی داشته است امروزه به‌صورت نقش تزئینی درآمده است (همان: ۷۴). پنجه دست، که همان نقش دست انسان است، در قالی‌های گل‌پنجه‌ای با تغییر در نقش

با قالب گلدان درآمده و در قالی‌های جانمازی شکل دست است (جدول ۷). این نقش در قالی‌های منطقه سیستان و بلوچستان مکرراً مشاهده می‌گردد (نعمت شهربابکی ۱۳۹۳: ۱۳۲). این نقش گاه به‌عنوان تدابیری در برابر چشم‌زخم قلمداد می‌گردد. در برخی نواحی استان سیستان و بلوچستان برپایه سنت‌ها در برابر چشم بد، پنج انگشت دست را باز می‌کنند و می‌گویند: پنج در چشمانت. در اعصار کهن نیز «برای استفاده از انگشتان دست به‌منظور دفاع در برابر چشم‌زخم ارزشی جادویی قائل‌اند» (وسترمارک ۱۳۹۹: ۶۹). هم‌چنین، از آن گاه به یاد فاطمه / دست فاطمه با نام‌های «مخمسه، خمسه، خمسه» نیز یاد می‌شود (MacCulloch 1913: 495). خمسه در نزد شیعیان بیان‌گر دست حضرت عباس است که دلالتی جدید در سنت اسلامی است و اصولاً به‌شکل پنجه‌ای فلزی بالای علم‌ها مشاهده می‌گردد (موسی‌پور ۱۳۹۱: ۱۵۶). باوجوداین، باتوجه به جایگاه پنجه در دست‌بافته‌ها و باورهای عشایر بلوچ این نقش بیش‌تر به‌جهت دوری از چشم بد و چشم‌زخم استفاده شده است.



تصویر ۷. نقوش خمسه با کاربردهای تزئینی و تعویذی
(وسترمارک ۱۳۹۹: ۷۱)

جدول ۷. نقش‌مایه دست در قالیچه‌های عشایر سیستان و بلوچستان

معنا و مفهوم نقش	فرش گل‌پنجه‌ای	نقش‌مایه دست در فرش گل‌پنجه‌ای	شکل طلسمی	تاریخ
بیان‌گر دوری از چشم بد، چشم‌زخم، دست حضرت فاطمه، و پنج اصل اساسی دین				(تناولی ۱۳۸۷: ۸۴)
	فرش عشایر سیستان، مجموعه شخصی (نگارندگان)	(نگارندگان)		

(نگارندگان ۱۴۰۱)

۲.۴.۳ چشم

چشم یا «چم» (Cham) در زبان بلوچی از جمله نقش‌مایه‌های پرکاربرد در گلیم‌های استان سیستان و بلوچستان است (جدول ۸). هال (۱۳۸۳: ۲۳۸) اذعان دارد این نقش، که برای درک بصری به کار می‌رود، بیان‌گر درک عقلانی است و در جایگاه طلسم حافظتی کاربرد دارد. برخی معتقدند ترسیم نقش چشم تأثیرات سوءچشم دیگران یا چشم‌زخم را خنثی می‌کند. چشم در مناطق بسیاری به‌عنوان دورکننده بلا شناخته می‌شود. بروس میت‌فورد (۱۳۸۸: ۸۳) می‌گوید: طلسم به‌شکل چشم، نگاه‌های بد، چشم شیطان را که به‌دنبال اهداف بد است منحرف می‌کند. در ایران نیز برای درمان‌ماندن از چشم بد دیگران هرآنچه برایشان باارزش بوده یا کارهای خاص را از چشم افراد تنگ‌نظر به‌دور نگه می‌داشتند و چون اطمینان نداشتند که می‌توانند در این امر موفق شوند، آن‌چه را برایشان مهم بود با تعویذ و طلسم محافظت می‌کردند (ماسه ۱۳۵۷: ۶۳). در برخی مناطق، تنها تصویر چشم انسان نبود که اهمیت داشت، بلکه آن‌ها گاهی با خشکاندن مردمک چشم گوسفندی که قربانی کرده بودند و استفاده از مهره در کنار آن و وصل کردن به لباس فرد وی را از آسیب در امان نگه می‌داشتند (نفیسی ۱۳۳۳: ۳۴-۳۵). بنابراین، این عقاید باعث شده تا نقش‌مایه‌های متنوعی از چشم را بافندگان فرش‌های عشایری در دست‌بافته‌های منطقه استفاده کنند (جدول ۸).

جدول ۸ دو نمونه طرح چشم استفاده‌شده در گلیم منطقه

معنا و مفهوم نقش مایه	جزئیاتی از نقش مایه چشم	تصویر نقش مایه در گلیم	شماره ثبت
چشم‌زخم و طلسم حفاظتی			۱۰۴
	گلیم منطقه سرحد (نگارندگان)	گلیم منطقه سرحد (نگارندگان)	

(نگارندگان)

۵.۳ نقش‌مایه‌هایی برگرفته اجسام و اشیای کاربردی

آخرین گروه از میان نقوش موجود نقوشی است که بازتولید اشیای روزمره است. از آن‌جاکه این گروه در هیچ‌یک از قسمت‌های مذکور قرار نمی‌گرفت به‌صورت مجزا به آن پرداخته شد.

فراوان‌ترین نقش در میان نقوش برگرفته از اشیای کاربردی، دودنی، گوشواره، شانه، و بازوبند است که به نقش و معنای آن‌ها در دست‌بافته‌ها پرداخته می‌شود.

۱.۵.۳ دودنی (Doodni)

یکی از روش‌های دورکردن چشم‌زخم با اسفند ساخت طلسم به‌کمک دانه‌های آن است. به‌کمک چند رشته نخ، که از دانه‌های اسپند عبور داده می‌شود، برحسب سلیقه، طلسم‌هایی درست می‌کنند و بر ورودی بسیاری از مکان‌ها می‌آویزند تا دورکنندهٔ بلا، چشم‌بد، و بخشندهٔ فراوانی و برکت باشد (ذکایی ۱۳۴۷: ۳۱-۳۲). این شیء ساخته‌شده با دانه‌های اسپند را دودنی می‌گویند. دودنی‌ها در سیستان و بلوچستان اصولاً مثلثی‌شکل است که آویزهایی نیز دارد. دودنی را عموماً در آغل گوسفندان، اتاق‌های نشیمن، سردر خانه‌ها، و در کشت‌زارها آویزان می‌کنند تا آفت و گزند را از احشام و غلات، خانه، و اعضای خانواده دور کند. هم‌چنین، علاوه‌بر خاصیت دفع شر، برای جذب فراوانی و برکت و سلامتی نیز به‌کار می‌رود. این نقش در میان مردمان این منطقه بسیار کاربرد دارد و به‌دلیل کاربرد زیاد و نقش مهم آن در چشم‌زخم در دست‌بافته‌ها رایج شده است (جدول ۹).

جدول ۹. استفاده از نقش‌مایهٔ دودنی در دست‌بافته‌های منطقه

شکل طلسمی	شکل در دست‌بافته	معنا و مفهوم نقش‌مایه
		دفع نیروهای شر و جلوگیری از چشم‌زخم
(نگارندگان)	فرش عشایر سیستان (نگارندگان)	

(نگارندگان)

۲.۵.۳ گوشواره

ازجمله نقوشی که در زیرمجموعه اشیا کاربردی و روزمره قرار می‌گیرد و در دست‌بافته‌های بلوچ استفاده می‌شود نقش گوشواره است. شکل قدیمی گوشواره در دست‌بافته‌های این قوم مثلی است که از آن زنگوله‌های کوچکی آویزان است. در اکثر مناطق ایران، ازجمله دست‌ساخته‌های فلزی، که برای دورکردن شر و چشم‌بد استفاده می‌شود، زنگوله آویخته شده است. خطیبی‌زاده (۱۳۸۹: ۹۰) معتقد است این زنگوله‌ها به‌دلیل صدایی که ایجاد می‌کنند ارواح بد را دور می‌کنند و اعتقاد بر آن بوده که در دفع چشم‌زخم نیز مؤثرند. لذا، خلخال را نیز که از سوراخ‌های آن چیزهایی آویزان می‌کنند جهت رفع چشم‌زخم می‌دانند. درویشی (۱۳۸۰: ۲۵) نیز اذعان دارد خلخال بیان‌گر بقایای همین کاربرد در مناطق جنوب است. باتوجه‌به ارجاعاتی که شد و به‌دلیل آن‌که گوشواره‌های موردنظر نیز دارای آویزهایی است که تولید صدا می‌کند می‌توان گفت چنین کاربردی در زندگی مردم بلوچ داشته است. گوشواره با ایجاد صدا ارواح بد را دور می‌کرده است. به‌علاوه، در هدایای عروسی گاهی به نوعروسان گوشواره‌های قدیمی که جمک (Jamak)^۱ نام دارد هدیه می‌دهند (جدول ۱۰) و جایگاه ویژه‌ای برای مردمان آن نواحی دارد (ریگی ۱۴۰۱). آن‌ها بر این اعتقادند که این گوشواره‌های قدیمی، که به نوعروسان هدیه داده می‌شود، برای جلوگیری از چشم‌زخم است. حضور این نقش در دست‌بافته‌ها باتوجه‌به آن‌که این شیء در هدایای عروس بوده، احتمالاً بیان‌گر چشم‌زخم و جلوگیری از آسیب به وصلت وارد شده است. باتوجه‌به این اعتقاد، این نقش توسط بافندگان در دست‌بافته‌های این منطقه بافته شده است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. نقش گوشواره بر دست‌بافته‌های عشایر سیستان و بلوچستان

شکل طلسمی	شکل در دست‌بافته	معنا و مفهوم نقش‌مایه
		تمایل به ازدواج، دفع ارواح خبیث، و نیروهای منفی
(نگارندگان)	جزئیاتی از فرش سیستان (نگارندگان)	

(نگارندگان)

۳.۵.۳ شانه

از دیگر نقوشی که کاربرد روزمره دارد نقش شانه است. این نقش در دست‌بافته‌های این منطقه در میان اقوام مختلف به‌وفور دیده می‌شود. نقش شانه عموماً درباره تولد و ازدواج به‌کار می‌رود. این نقش را برخی محققان حافظ تولد و ازدواج درمقابل چشم بد دانسته‌اند (بهارلو و چیت‌سازیان ۱۳۹۱: ۱۱). هم‌چنین، باتوجه‌به آن‌که نقش شانه ازجمله اشیایی است که برای آرایش عروس و آماده‌شدن وی کاربرد دارد، حضور این نقش در دست‌بافته‌ها می‌تواند بیان‌گر ازدواج و به‌نوعی بخت‌گشایی نیز باشد (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. نقش شانه در دست‌بافته

شکل طلسمی	شکل در دست‌بافته	معنا و مفهوم نقش‌مايه
		تمایل به ازدواج، دوری چشم بد از ازدواج، و فرزندآوری
(نگارندگان)	خورجین، منطقه سرحد (نگارندگان)	

(نگارندگان)

۴.۵.۳ بازوبند

این نقش را اصولاً در سراسر قالی استفاده می‌کرده‌اند و به آن بازوبندی می‌گفتند (جدول ۱۲). نقش بازوبند همان‌طورکه از نام آن مشخص است برگرفته از شیئی است که به بازو بسته می‌شود. گستردگی آن در میان مردان بسیار زیاد بوده و برای ازدیاد و افزایش قدرت از آن استفاده می‌شود. نقوش متنوعی باتوجه‌به کاربرد بر روی آن منقش می‌شده که معروف‌ترین و پرکاربردترین بازوبندها دارای نقش شیر و الشمس بوده و عموماً علاوه‌بر پهلوانان، رمالان، اشخاصی را که به‌دنبال دریافت قدرت بیش‌تری بودند به بستن چنین بازوبندی تشویق می‌کردند (تناولی ۱۳۸۷: ۷۱).

بازنمایی باورهای ماوراءالطبیعی در دست‌بافته‌های ... (ساحل عرفان‌منش و دیگران) ۲۳۱

جدول ۱۲. نقش بازوبند بر دست‌بافته‌های عشایر سیستان و بلوچستان

نقش مایه	شکل واقعی	شکل طلسمی	نقش مایه بافته شده در فرش	قالیچه بازوبندی	معانی و مفهوم نقش مایه
بازوبند					افزایش قدرت، جلوگیری از چشم‌زخم
		(تناولی ۱۳۸۷: ۷۰)	(حصوری ۱۳۷۱: ۱۴۵)	(حصوری ۱۳۷۱: ۱۴۵)	

(نگارندگان)

بازوبند علاوه بر آن‌که بیان‌گر قدرت بوده، استفاده از بسیاری اشیای فلزی چون سکه، بازوبند، و گوشواره را نیز بیان‌گر دفع شر دانسته‌اند. به نظر می‌رسد به دلیل قداستی که فلز در اساطیر داشته و شاید به دلیل جنس آن‌که مستحکم است دست‌ساخته‌های فلزی در تعویذ و طلسم کاربرد بسیار دارد. قزوینی (۱۳۶۱: ۱۹۲) نیز اشاره می‌کند که افزایش قدرت باعث آن می‌شود شخص از چیزی نترسد، لذا کاربرد این اشیاء در این زمینه گسترده می‌گردد. می‌توان گفت باتوجه به آن‌که بسیاری از تعاویذ نیز در میان این قوم به بازو بسته می‌شود و باتوجه به نقش و جایگاه فلز این نقش‌مایه در دست‌بافته‌ها بیش از آن‌که بیان‌گر قدرت باشد به دفع شر و چشم‌زخم اشاره دارد.

جدول ۱۳. انواع نقوش و معنا و مفهوم آن‌ها در دست‌بافته‌ها

نام نقش مایه	معنای نمادین نقوش
مثلت	باروری و حاصل‌خیزی و دفع نیروهای شر
لوزی	دورکننده ارواح خبیثه و چشم بد و پیروزی
اسپند	برای دوری از نیروهای شر و چشم‌زخم
ماهی	برکت، باروری، زایش و باران‌خواهی، و عمر زیاد

نام نقش مایه	معنای نمادین نقوش
مار	باروری، برکت
چشم	چشم زخم و طلسم حفاظتی
دست	بیان گر دوری از چشم بد، چشم زخم، دست حضرت فاطمه و حضرت عباس
دودنی	دفع نیروهای شر و جلوگیری از چشم زخم
شانه	تمایل به ازدواج، دوری چشم بد از ازدواج و فرزندآوری
گوشواره	تمایل به ازدواج، دفع ارواح خبیث و نیروهای منفی
بازوبند	افزایش قدرت، جلوگیری از چشم زخم

(نگارندگان)

باتوجه به جدول ۱۳ می توان گفت باور به نیروهای ماوراءالطبیعی و اسطوره ای قوم بلوچ هم چنان بر دست بافته های آنان مشاهده می شود. در بین معانی نمادین نقوش، فراوانی مفهوم چشم زخم بیش از دیگر مفاهیم است. و سترمارک نیز به این موضوع اشاره می کند که گسترده ترین باور در جهان باور به چشم بد و جن است (سترمارک ۱۳۹۹: ۶۵). چشم زخم فقط مربوط به اقوام خاص یا زمان و مکان خاصی نیست، چه قبل و چه بعد از اسلام رواج داشته است. کلام اسلامی نیز سحر و جادوی سیاه را نهی کرده، اما در برابر تعاویذ تسامح نشان داده است (روسکا و دیگران ۱۳۸۷: ۵۹). از آن جاکه هر لحظه امکان گزند از نظر دیگری وجود دارد، برخی اقوام مانند قوم عشایر بلوچ در دست بافته ها، که از جمله کاربردی ترین هنرهای صناعی است، بر فرش و گلیم پهن شده در خانه این اشکال را بافته تا از این گزند در امان باشند.

۴. نتیجه گیری

دست بافته ها از جمله تولیدات بومی عشایر بلوچ است که قدمت دیرینه ای دارد. بررسی دست بافته های عشایر بلوچ نشان دهنده آن است که اعتقادات و باورهای این قوم را می توان در دست بافته های آن ها مشاهده کرد. این دست بافته ها علاوه بر آن که به عنوان یک شیء در زندگی روزمره کاربرد داشته اند، منقش به اشکالی شده اند که بیان گر معانی عمیق و پررمزوراز هستند. استفاده از این اشکال بر روی دست بافته ها بیش از آن که مایه تزئین دست بافته ها باشد هویت آن اثر را شکل داده است، زیرا در این پژوهش نشان داده شد نقوش روی این دست بافته ها بیان گر آرزوها، باورها، اندیشه، و تفکرات آن قوم است که گاه حالت طلسم و تعویذ پیدا می کند.

استفاده از نقوش طلسم‌گون در دست‌بافته‌ها بیان‌گر جایگاه این باور و اندیشه در میان این قوم و رابطه‌ای است که در باورهای آن منطقه و نقوش وجود دارد.

قوم بلوچ از جمله اقوامی است که به‌دلیل زندگی در شرایط سخت و محیط بیابانی و بلاهای بسیاری که در آن منطقه وجود دارد برای غلبه بر سختی و مشقات زندگی دست به دامان نیروهای ماورائی شده است و بدین منظور نه تنها اشیا و اشکالی خلق کرده که حافظ آنان در برابر این بلاها باشد، بلکه از این اشکال بر تولیدات بومی و روزمره چون دست‌بافته‌ها نیز استفاده کرده، زیرا معنا و قدرتی نمادین برای آن‌ها در نظر گرفته است. با ارجاع به نقوش استفاده‌شده در دست‌بافته‌ها می‌توان گفت باورهای ماوراءالطبیعی و اساطیری، که بیان‌گر باروری، دوری از گزند نیروهای شر، و چشم بد است، از جمله مضامین موجود بر دست‌بافته‌هاست. به‌نظر می‌رسد با توجه به فراوانی مفهوم و مضمون چشم‌زخم، آن‌چه بیش از دیگر نقوش در میان این قوم باقی‌مانده است، نقوشی است که به چنین مفهومی ارجاع می‌دهد. از گذشته تاکنون چشم بد و نیروهای شر بیش از دیگر عوامل مخرب و نابودکننده بوده است و به‌نوعی نگاه و نظر انسان را عامل گزند بیش‌تر بلاها دانسته‌اند. در پژوهش مذکور نیز نشان داده شد رابطه‌ای تنگاتنگ میان این باورها و نقوش رایج در دست‌بافته‌ها وجود دارد.

پی‌نوشت

۱. گوشواره‌هایی به‌شکل جمجمه انسان را جَم یا جَمک می‌نامند.

شیوه ارجاع به این مقاله

عرفان‌منش، ساحل، ابوالقاسم نعمت شهربابکی، و حسن عزیزی (۱۴۰۲)، «بازنمایی باورهای ماوراءالطبیعی در دست‌بافته‌های عشایر بلوچ»، *تحقیقات تاریخی/اجتماعی*، دوره ۱۳، ش ۱، پیاپی ۲۵، بازیابی در:

<<https://doi: 10.30465/shc.2023.43289.2431>>.

کتاب‌نامه

اسفندیاری، صبا (۱۳۸۴)، *جلوه‌گری نقوش در هنرهای سنتی ایران*، مشهد: نور حکمت.
بروس میت‌فورد، میراندا (۱۳۸۸)، *فرهنگ مصور نمادها و نشانه‌ها در جهان*، ترجمه ابوالقاسم دادور و زهرا تاران، تهران: شادرنگ.

- بهارلو، علیرضا و امیرحسین چیت‌سازیان (۱۳۹۱)، «نقش‌مایه‌ها و مفاهیم مرگ و حیات در بستر بافته‌های ترکی آناتولی»، کتاب ماه هنر، ش ۱۶۶.
- بویس، مری (۱۳۷۷)، چکیاء تاریخ زرتشت، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: صفی‌علی‌شاه.
- بیلهقی، حسینعلی (۱۳۶۵)، «هنر و فرهنگ قوم بلوچ»، فصل‌نامه هنر، ش ۱۰.
- پرهام، سیروس (۱۳۷۸)، «جلوه‌های اساطیری و نمادهای نخستین در قالی ایران»، نشر دانش، س ۱۶، ش ۱.
- تناولی، پرویز (۱۳۸۷)، طلسم گرافیک سنتی ایران، تهران: بن‌گاه.
- جلیلیان، نعیمه و سیدابوتراب احمدپناه (۱۳۹۱)، «تأثیر باورهای دینی و اسطوره‌ای بر فرش‌های روستایی باف همدان»، دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی گلجام، س ۸، ش ۲۲.
- جهازی، ناهید و منوچهر آتشی (۱۳۸۱)، افسانه‌های جنوب (بوشهر)، تهران: مدبر.
- حصولی، علی (۱۳۷۱)، فرش سیستان، تهران: فرهنگان.
- حصولی، علی (۱۳۸۱)، مبانی طراحی سنتی در ایران، تهران: چشمه.
- خطیبی‌زاده، محمد (۱۳۸۹)، پوشش مردم هرمزگان، شیراز: ایلاف.
- خضایی، وحید و محسن مراثی (۱۳۹۰)، «بررسی و تطبیق گرایش به انتزاع در نقوش سفالینه‌های ایران باستان و شیوه آپ‌آرت»، نگره، س ۶، ش ۱۷.
- خوارزمی، حمیدرضا و حسین‌الله توکلی (۱۳۹۶)، «طلسم و طلسم‌شکنی در فرهنگ جبال بارز جیرفت»، دومه‌نامه فرهنگ و ادبیات عامه، س ۵، ش ۱۶.
- درویشی، محمدرضا (۱۳۸۰)، دایرةالمعارف سازهای ایرانی، ج ۱، تهران: ماهور.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱)، دانشنامه ایران باستان: عصر اوستایی تا پایان دوران ساسانی، ج ۲، تهران: سخن.
- روسکا، جی. بی. کارا دُ وو، و ا. بوسورث (۱۳۸۷)، مقاله «طلسم در فرهنگ عربی و اسلام»، در: دوازده + یک: سیزده پژوهش درباره طلسم، تعویذ، و جادو، ترجمه ابراهیم موسی‌پور، تهران: کتاب مرجع.
- ریگی، بلال (۱۳۹۹)، گردآوری و توصیف فرهنگ عامه مردم میرجاوه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ایرانشهر: گروه زبان و ادبیات فارسی.
- ریگی، راضیه (۱۴۰۱)، رسوم ازدواج و انواع چشم‌زخم درخصوص مراسم ازدواج (مصاحبه منتشرنشده)، زاهدان.
- رئیی، محمدریاض (۱۴۰۱)، «توتم سیه‌مار و تحلیل روان‌کاوانه آن در فرهنگ عامه و ادبیات بلوچی»، دومه‌نامه فرهنگ و ادبیات عامه، س ۱۰، ش ۴۵.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۸۶)، گزارش‌های شهر سوخته ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی، و گردش‌گری.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۸۸)، بلوچستان باستان، زاهدان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی، و گردش‌گری.

بازنمایی باورهای ماوراءالطبیعی در دست‌بافته‌های ... (ساحل عرفان‌منش و دیگران) ۲۳۵

شفیقی، سمیه (۱۴۰۱)، *انواع طلسم و تعویذ درخصوص صیانت از نوزاد* (مصاحبه منتشرنشده)، زابل: هیرمند.

شیرازی، روح‌الله (۱۳۸۸)، *شهر سوخته*، زاهدان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی، و گردشگری.
شیرانی، راضیه (۱۳۸۸)، «رویکردی نمادین و تصویری به طلسم‌های ایرانی»، *دوفصل‌نامه نقش‌مایه*، س ۲، ش ۳.

صابری افتخاری، عارفه (۱۳۹۲)، «باور به وجود نیروی طبیعی در اشیا در فرهنگ عامه مردم ایران (فتیشیزم - شیء‌باوری)»، *دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی انسان‌شناسی (نامه انسان‌شناسی)*، س ۱۰، ش ۱۷.
فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۶)، *شاخه زرین*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: آگاه.

قزوینی، زکریا محمد (۱۳۶۱)، *عجائب‌المخلوقات و غرائب‌الموجودات*، تهران: کتابخانه مرکزی
لعل‌بی‌بی (۱۴۰۱)، *رسومات ازدواج و انواع تائیت در منطقه سراوان* (مصاحبه منتشرنشده)، سراوان: آسپیچ.
ماسه، هنری (۱۳۵۷)، *معتقدات و آداب ایرانی*، ترجمه مهدی روشن‌ضمیر، تبریز: دانشگاه تبریز.
موسوی حاجی، سیدرسول و علی پیری (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی نقش قالی سیستان با سفال‌های نخودی شهر سوخته»، *دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی گلجام*، س ۵، ش ۱۳.
موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۹۱)، *دانش‌نامه جهان اسلام*، به‌سرپرستی غلامعلی حداد عادل، ج ۱۶، ذیل مدخل «خمسه»، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

نفیسی، سعید (۱۳۳۳)، «چهارشنبه‌سوری»، *سال‌نامه کشور ایران*، س ۹.
نعمت شهربابکی، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، *بررسی طلسم و تعویذ و تأثیر آن در نقش‌مایه‌های فرش‌های سیستان و بلوچستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کاشان: گروه فرش.
وسترمارک، ادوارد (۱۳۹۹)، *بازمانده‌هایی از فرهنگ دوران جاهلی در تمدن اسلامی*، ترجمه و تعلیقات علی بلوکباشی، تهران: فرهنگ جاوید.
هال، جیمز (۱۳۸۳)، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.

یعقوب‌زاده، آزاده (۱۳۹۲)، «نقش‌مایه طلسم محافظ بر فرش ترکمن»، *کتاب ماه هنر*، ش ۱۸۴.
یعقوب‌زاده، آزاده و محمد خزائی (۱۳۹۸)، «نقش‌مایه‌های طلسم و تعویذ و حرز (مطالعه موردی: دست‌بافته‌های عشایر لر بختیاری)»، *هنر و تمدن شرق*، س ۷، ش ۲۶.

Elliad, M. and C. Adams (1987), *Encyclopadia of Religion*, Mc Millan, vol.14, New York: Extramarce University of Alberta Libraries.

Fokker, N. (1973), *Persian And Other Oriental Carpet For Today*, London: G. Allen and Unwin.

Henning, W. B. (1891), *R A Grain of Mstard*, c. Ir, vol. XV.

MacCulloch, J. A. (1913), *Hastings, Encyclopedia of Religion and Ethics*, vol. VI.

Reichelt, h. (1911), Avesta Reader, Strassborg.

Stinson, S. L. (2006), "Hunan Figurines", in: Desert Archaeology, T. Jonathan, J. Homer, and B. Mabry (eds.), The Rio Nuevo Archaeology, 2000-2003, Arizona: Technical Report Inc, Tucson.